

(مجيء الوصي قبل الحجة) ..

آمدن وصی قبل از حجت

واستكمالاً لما تقدم قال (عليه السلام): (أنتم يسألونكم: كيف يأتي الوصي قبل الحجة؟ فهذا هارون بعث في مصر قبل موسى وبنص قرآني بين: (وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَى أَنْ أَنْتَ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ * قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ * قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذَّبُونِ * وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى هَارُونَ) (1).

در تکمیل بحث قبلی، ایشان (علیه السلام) فرمودند: «از شما می‌پرسند: چگونه وصی قبل از حجت می‌آید؟ طبق نص صریح قرآن، این هارون است که قبل از موسی در مصر مبعوث شد:» (و پروردگارت موسی را ندا داد که: ای موسی، به سوی آن مردم ستمکار برو: قوم فرعون، آیا نمی‌خواهند پرهیزگار شوند؟ گفت: ای پروردگار من، می‌ترسم که دروغگویم بخوانند و دل من تنگ گردد و زبانم گشاده نشود. هارون را رسالت ده) (2).

هذه الآيات تبين طلب موسى من الله أن يرسل إلى هارون، أي كما أخبره يخبر هارون، وقد بدأت الدعوة بهارون وهيا الناس لاستقبال موسى (قَالَ كَلَّا فَادْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ) (3)، هذه الآية تبين أن الله أجاب طلب موسى (عليه السلام)، وليس هذا فحسب بل بقي المباشر للمواجهة هو هارون (فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى) (4)، قدم هارون؛ لأنه هو الذي واجههم، وهارون وصي موسى بعث في أرض الرسالة وهي مصر قبل موسى، بل واستمر ناطقاً مواجهاً مع وجود موسى؛ لأن موسى طلب هذا، ولكنه كان محجوجاً بموسى فلا ينطق إلا بأمر موسى (وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى هَارُونَ).

این آیات بیان می‌دارد که موسی از خدا خواست که هارون را رسالت بدهد یعنی همان طور که او را مطلع گردانیده بود، هارون را نیز باخبر سازد. دعوت، با هارون آغاز شد و او مردم را برای

1. الشعراء: 10 - 13.

2 - شعرا: 10 تا 13.

3. الشعراء: 15.

4. طه: 70.

استقبال از موسی (علیه السلام) آماده نمود: «گفت: هرگز، آیات مرا هر دو نزد آنها ببرید، ما نیز با شما هستیم و گوش فرا می‌دهیم»^۵ . این آیه گویای آن است که خداوند درخواست حضرت موسی را اجابت فرمود؛ در ضمن، آیه بیان می‌دارد کسی که به طور مستقیم با مردم روبه‌رو شد، هارون بوده است. «ساحران به سجده افکنده شدند گفتند: به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم»^۶. در این آیه، هارون، اول ذکر شده است؛ زیرا او بود که با آنها مواجه گشت. هارون، وصی موسی بود که قبل از حضرت موسی، در سرزمین رسالت که همان مصر است، مبعوث گشت؛ حتی با وجود حضور موسی، سخن‌گویی و روبه‌رو شدن، از آن او بود؛ زیرا موسی چنین چیزی را طلب کرده بود. با همه‌ی این تفاسیل، هارون محجوج به موسی بود و فقط با دستور موسی سخن می‌گفت: «(و دل من تنگ گردد و زبانم گشاده نشود؛ هارون را رسالت ده)».

موسی ماذا یطلب؟ من کان المتکلم؟ هو یطلب أن یکون المتکلم هارون، وقد أجابه الله حتی إن السحرة سموا إیمانهم بهارون قبل موسی، هل التفت إلى هذا (فَأَلْفِي السَّحْرَةَ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى)؟

موسی خواهان چه بود؟ متکلم چه کسی بود؟ او خواهان این بود که هارون متکلم باشد. خداوند نیز اجابت فرمود؛ حتی ساحران نیز در ایمان خود، هارون را قبل از موسی نام بردند؛ آیا به چنین چیزی دقت کرده بودی؟ «(ساحران به سجده افکنده شدند گفتند: به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم)».

الآن، هل انتهى هذا، أي إن الوصي ممکن أن یبعث قبل الحجة الذي هو محجوج به بهذا الأمر (موسی و هارون)؟ وقبلها أعطيتك ثلاثة أمثلة: لوط و إبراهيم، و محمد و علي، و سليمان و داود عليهم صلوات الله عليهم، وهذه أربعتها كافية، بل الأخير الذي أعطيتك كافٍ. یبقى إن قالوا لكم إن الإمام المهدي مرفوع، فمثاله عیسی و أوصیاءه.

اکنون آیا این موضوع به پایان رسید و روشن شد که ممکن است وصی قبل از حجتی که به آن محجوج است و از سوی او می‌آید (مانند موسی و هارون) مبعوث گردد؟ پیش از آن، من سه مثال به شما ارائه کرده بودم: لوط و ابراهیم، محمد و علی، سلیمان و داوود صلوات الله علیهم؛ و این هم مورد چهارم که کفایت می‌کند؛ بلکه آخرین مثالی که به شما ارائه نمودم، به تنهایی کافی است. یک مورد باقی می‌ماند؛ اگر به شما گفتند امام مهدی مرفوع است، عیسی و اوصیاء آن حضرت را برایشان مثال بزنید.

۵ - شعرا: 15.

۶ - طه: 70.

هم ليس لديهم حتى رأي في مسألة كيفية حياة الإمام المهدي (عليه السلام)، فهم يأتون بعيسى والخضر للدلالة على طول حياته، وهذا معناه اعتقادهم بالرفع).

أنها حتى نظري در مورد کیفیت زندگانی امام مهدی (عليه السلام) ندارند. بنابراین عیسی و خضر را برای توجیه طول عمر حیات وی ذکر می کنند و این همان معنای اعتقاد آنها به رفع می باشد».